

«بررسی وضعیت علوم پایه در کشور برای جهت‌گیری آینده- بخش دوم»، (دکتر فتح‌الله مضطرزاده)

علوم پایه در کشور، شامل بخش‌های فیزیک، ریاضی، شیمی، علوم زیست و علوم زمین، از پیشگامان ایجاد و اجرای تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های کشور هستند و کم‌وبیش معیارهای آموزش و پژوهش را برای معارف دیگر دانشگاهی تعریف کرده و جا انداخته‌اند.

چند عامل در توسعه علوم پایه نقش کلیدی داشته است.

- به روز بودن سواد به وجود آورندگان اولیه تحصیلات تکمیلی.
 - تأکید بر قابل عرضه بودن یافته‌های پژوهش‌گران در سطوح بین‌المللی.
 - ارتباطات بین‌المللی نسبتاً وسیع و آسان پژوهش‌گران در سطوح بین‌المللی.
 - ارتباطات بین‌المللی نسبتاً وسیع و آسان پژوهش‌گران نسل اول با مجامع پژوهشی و دانشگاهی برون‌مرزی.
 - توجه به زبان‌های بیگانه به عنوان ابزار دستی به منابع علمی دنیا.
- در سال‌های آغازین انقلاب، متصدیان آموزش عالی دخالت‌چندانی در برنامه‌ها و نحوه انجام آموزش و پژوهش نداشتند. سهم وزارت علوم از حد دادن مجوز تأسیس و بعضی کمک‌های اولیه فراتر نمی‌رفت. تجربه و ساختار وزارت نیز بیش از این‌ها را اجازه نمی‌داد. تدوین و اجرای عمده برنامه‌های درسی و معیارهای آموزش و پژوهش به عهده پدیدآورندگان اولیه تحصیلات تکمیلی بود. از عمر دانشگاه‌های پس از انقلاب سی و چند سال می‌گذرد. در این مدت اتفاقات زیادی افتاده است که بعضی مغتنم و بعضی دیگر نیاز به بازنگری و جرح و تعدیل دارد:
- تعداد دانشگاه‌ها اعم از دولتی و خصوصی چند برابر شده است.
 - تعداد دانشجویان چندین برابر شده است. به طوری که در تاریخ نگارش این نوشته (فروردین ۹۲) کم و بیش همه متقاضیان تحصیل دانشگاهی فرصت دسترسی به آن را دارند.
 - تعداد قابل توجهی انواع مراکز پژوهشی به وجود آمده است که در پیش از انقلاب به این وسعت سابقه نداشته است.
 - در جهت استقلال دانشگاه‌ها و خروج آن‌ها از شمول قوانین دولتی گام بلند و قانونی برداشته شده است (بند الف ماده ۴۹ برنامه چهارم توسعه).
 - وزارت علوم صاحب ساختار و تجربه شده است و برای بسیاری از مسائل مبتلا به آموزش و پژوهش قانون و قاعده وضع کرده است.
 - از بُعد تحقیقاتی استاد و دانشجو جرئت عرض اندام در صحنه‌های علمی جهانی پیدا کرده‌اند. عرضه مقاله علمی به مجلات جهانی برای استاد و دانشجو به صورت عُرف و وظیفه درآمد و پذیرفته شده است.
 - عیب و ایرادهایی هم بروز کرده است و شایسته است همه دانشگاهیان، اعم از استاد و دانشجو و متولیان آموزش عالی آن‌ها را بررسی کنند و چاره بیندیشند. موارد ذیل نمونه‌هایی از این ایرادات است:
 - رشد سریع دانشگاه‌ها بدون توجه به محدودیت‌های مالی، کمبود هیئت علمی، نبود ساختار آموزشی و پژوهشی در بسیاری از دانشگاه‌های جدیدالتأسیس و به‌ویژه در دانشگاه‌های غیرانتفاعی، آزاد و پیام نور کیفیت را فدای کمیّت کرده است.
 - شمارش تعداد مقاله، بدون توجه به محتوا، از طرف دانشجو، استاد، مدیران دانشگاه و وزارت علوم معیار صاحب دانش بودن دانسته شده است. دسترسی به مجلات الکترونیکی کم‌بها در گوشه و کنار دنیا نیز تنور مقاله‌نویسی بی‌محتوا را بیشتر داغ می‌کند.

- قرار گرفتن افراد بابضاعت علمی کم، تجربه کم و آشنایی کم با نهادهای آموزشی و پژوهشی دنیا، در مقام تصمیم‌گیری‌های علمی در دانشگاه‌ها و در وزارت علوم عرصه را برای پرداختن به کیفیت و خلاقیت و ابتکار تنگ کرده است.
- نفوذ بحران‌ها و هیجان‌های اجتماعی به دانشگاه‌ها فضاهای آموزشی و پژوهشی را سیاست‌زده و امنیتی کرده است.
- دخالت بیش از حد حراست در دانشگاه‌ها، به صورتی که در هر چیزی به خودش حق دخالت می‌دهد، نشاط را از محیط دانشجویی گرفته است و مجالی به جرأت و جسارت جوان باقی نمی‌گذارد.
- بدنه تصمیم‌گیری وزارتخانه با قوانین و مقررات عرضی و تطویلی که برای هر امر کوچک آموزشی، پژوهشی و رفتاری استاد و دانشجو و کارمند وضع کرده، متصلب و سخت شده است. دانشگاه‌ها نمی‌توانند در برابر نوآوری‌های سریعی که در صحنه‌های علمی دنیا رخ می‌دهند به موقع پاسخ دهند و خود را به روز کنند.
- با تعویض دولت‌ها دیدگاه‌های متصدیان آموزش عالی زیرورو می‌شود و تداوم برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مختل می‌شود.
- اخلاق علمی و حرفه‌ای از قبل ایرادهایی که در بالا شمرده شد تا اندازه‌ای ضایع شده است. سرقت علمی از کارهای دیگران رواج دارد. ارتقاء در مدارج دانشگاهی بدون توجه به قابلیت‌های علمی شایع است.
- امکانات مالی، آزمایشگاهی و ارتباطی دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر به قهقرا رفته است.
- کشور توانایی جذب و نگهداری دانش آموخته‌های خود را ندارد. نخبه‌پرور هست ولی نخبه‌نگهدار نیست.
- در مقام چاره برای تضمین کیفیت در آموزش و پژوهش و ایجاد استاندارد مناسب برای کار آکادمیک شرط اول این است که دولت و مقامات تصمیم‌گیر کشور به جوان دانشجو و هیئت علمی اعتماد کنند. به درستی فکر و عمل و اخلاق او گمان بد نبرد و جوان را در کردار و گفتار و رفتار آزاد بگذارند در کشور پس از انقلاب ما که دل‌بستگی به سنت‌های گذشته در آن بیشتر شده است و تعامل با دنیای خارج، مظنون و مشکوک تلقی می‌شود، شکاف بین بزرگسال و جوان هنوز وسیع‌تر شده است.
- این نارسایی باید از میان برداشته شود. نسل جوان باید صادق، امین، درستکار، درست اندیش و کاردان انگاشته شود. برای تحقق این امر و نشان دادن اعتماد به نسل جوان تمهیدات می‌تواند راه‌گشا باشد:
- نظارت مستمر بر آموزش و پژوهش کنار گذاشته شود و به‌جای آن ارزیابی مستمر از آموزش و پژوهش برقرار شود.
- در وظایف دفاتر حراست و نحوه عمل آنها در جهت آزادی عمل دانشجو، استاد و کارمند تجدیدنظر گردد.
- دانشگاه‌های بزرگ به بلوغ رسیده‌اند. در تدوین و اجرای برنامه‌ها و عزل و نصب مدیران خود استقلال داشته باشند.
- بودجه دانشگاه‌ها برابر نیازها و برنامه‌های شان تأمین شوند و مجبور نشوند برای تأمین مالی با تأسیس پردیس‌های بین‌المللی به دنبال کسب درآمد باشند.
- محیط‌های آموزشی و پژوهشی به طور وسیع سیاست‌زدایی شوند.
- ارتباطات بین‌المللی و تبادل استاد و دانشجو با مراکز علمی دنیا به طور قابل ملاحظه توسعه یابد.
- جذب هیئت علمی، پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی مطلقاً و تماماً در اختیار دانشگاه‌ها قرار گیرد.
- فرار مغزها از کشور و خروج فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از کشور نرخ بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. چاره مقتضی اندیشیده شود.
- مرزهای دانش سده ۲۱ به روشنی آنچه که در گذشته بوده نیست. فیزیک‌دان می‌تواند یاری‌دهنده پزشک باشد، مهندس مکانیک می‌تواند در طراحی‌هایش از مکانیسم‌های موجودات زنده تقلید کند (Biomimetic) و مثال‌های فراوان دیگر، بدنه آموزش عالی کشور لازم است انعطاف لازم را برای استقبال از میان رشته‌ای‌ها که در دنیای امروز روزانه به وجود می‌آیند داشته باشد و به سرعت پاسخ بدهد.
- تجهیزات آزمایشگاهی دانشگاه‌ها فرسوده شده و به روز نیست و باید تمهید لازم اتخاذ شود.

- پایگاه‌های الکترونیکی نشریات علمی گسترش یابد و دسترسی به اینترنت پرسرعت در سطح کشور و به طور اخص برای دانشجو و دانشگاهی میسر باشد.
- هیئت‌های امناء به صورتی که وزارت علوم بر آن‌ها امر و نهی می‌کند نقش خود را از دست داده است. برای برگرداندن استقلال به هیئت‌های امناء اقدام لازم انجام گیرد.
- بین وزارت‌خانه‌های علوم، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی هماهنگی و همکاری نزدیک وجود ندارد.
- در جهت تسهیل جذب دانشجوی بین‌المللی بین وزارت علوم و وزارت امور خارجه توافقاتی اجرایی و کارا به وجود آید.
- در انتخاب و انتصاب مدیران ارشد دانشگاه‌ها و وزارت متبوع سندیت علمی ملاک عمل باشد.
- ترویج علم و ترویج تفکر تحلیلی در سطح جامعه از طرف همه اقشار جامعه و همه ارگان‌های دولتی و غیردولتی جدی گرفته شود.
- و سخن آخر: دانشگاه‌ها جزیی از جامعه بزرگ ایران اسلامی هستند و بالطبع متأثر از مدیریت کلان کشور و بستر فرهنگی جامعه هستند. نارسایی‌ها و رسانی‌های دانشگاه‌ها هم باید در چارچوب محدودیت‌های مدیریتی و فرهنگی کشور دیده شود.